

فرشید فرحناکیان: | تحریم شکستنی است؛ نه برداشتنی

تحریم شکستنی است؛ نه برداشتنی



قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد از همه کشورهای عضو می‌خواهد اقدام‌هایی که ممکن است برای حمایت از اجرای برجام مناسب باشد، از جمله اقدام‌های متناسب براساس برنامه اجرایی مندرج در برجام و این قطعنامه را اتخاذ کنند و از اقدام‌هایی که اجرای تعهدات ذیل برجام را تضعیف می‌کند بپرهیزند.

آمریکا در هجدهم اردیبهشت ۱۳۹۷ (هشتم مه ۲۰۱۸) به‌صورت یکجانبه از برجام خارج شد. دولت‌های سه کشور اروپایی طرف برجام، با وجود غیرقانونی و غیرقابل‌قبول دانستن این رویکرد آمریکا، در عمل با سکوت و بی‌عملی خود، با آن رویکرد همراهی کرده‌اند. اقدام‌های مخرب ایالات متحده و همراهی سه کشور اروپایی، برجام را ناکارآمد کرده است و همه مزایای اقتصادی این توافق را برای ایران از بین برده است.

پس از یک سال صبر راهبردی، به دلیل افزایش تحریم‌های ایالات متحده و نیز پایبند نبودن سه کشور اروپایی به تعهدها، برای ایران چاره‌ای باقی نماند، جز اینکه از حقوق خود وفق بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام استفاده کند و اجرای بخشی از تعهدهای خود را به صورت مرحله‌ای از هجدهم اردیبهشت ۱۳۹۸ (هشتم مه ۲۰۱۹) متوقف سازد.

با تغییر نکردن وضع و در فقدان اقدامی موثر از سوی طرف‌های ذربط برجام و با توجه به سابقه تأسفبار ایجادشده، مجلس شورای اسلامی ایران قانون برنامه اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها و حفظ منافع ملت ایران را در تاریخ دوازدهم آذر ۱۳۹۹ (دوم دسامبر ۲۰۲۰) تصویب کرد. این قانون دولت را مکلف کرد که در صورت تداوم پایبند نبودن اعضای برجام به تعهد خود، اجرای تمامی تعهدهای داوطلبانه ایران ذیل برجام به تدریج متوقف شود، مگر اینکه سایر طرف‌های برجام تعهدهای کامل خود را در عمل به اجرا درآورند.

توماس فریدمن به تازگی در نیویورک تایمز نوشت که داوران، داوری خود را کردند و حکم دادگاه این است که تصمیم دونالد ترامپ به پاره کردن برجام در سال ۲۰۱۸، تصمیمی که مایک پمپئو و بنیامین نتانیاهو هم مشوق آن بودند، یکی از احمقانه‌ترین، نابخردانه‌ترین و زیان‌بارترین تصمیمات حوزه امنیت ملی آمریکا در دوران پس از جنگ سرد بود. این تنها سخن من نیست. زمانی که برجام به امضا رسید، موشه یعلون، وزیر جنگ اسرائیل بود و به شدت مخالف آن، اما او در یک اجلاس امنیتی گفت که هرچند برجام یک توافق بد بود، تصمیم ترامپ، با تشویق نتانیاهو، برای خروج از آن، کاری بود از آن‌هم بدتر. مهم‌ترین اشتباه یک دهه گذشته.

دو روز بعد، ژنرال گادی آیزنکوت که در سال ۲۰۱۸، فرمانده ارشد ارتش اسرائیل بود، گفت که خروج از برجام یک اقدام مطلقاً زیان‌بار برای اسرائیل بود، ایران را از همه محدودیت‌های هسته‌ای‌اش رها کرد و برنامه هسته‌ای‌اش را به مرحله بسیار پیشرفته‌تری رساند. تا زمانی که ترامپ از برجام که ایران به آن پایبند بود، خارج شد، زمان گریز هسته‌ای ایران یک سال بود و ایران توافق کرده بود که برای پانزده سال این محدوده را رعایت کند.

اکنون کارشناسان مستقل می‌گویند که این مهلت به سه هفته کاهش یافته هرچند به باور مقام‌های آمریکایی، هنوز هم ایران برای ساخت کلاهک قابل حمل هسته‌ای به حدود دو سال وقت نیاز دارد، اما این نوعی خوش‌خیالی است. اینکه گفت‌وگوهای هسته‌ای که دوباره در وین آغاز شده

است به کجا می‌انجامد، برای هیچ‌کس روشن نیست. این گفت‌وگوها همچون یک بازی سنگین پوکر شده که بازیگران پرشماری دارد، از جمله اسرائیل که چشم به دست یکدیگر دوخته‌اند تا ببینند چه کسی بلوف می‌زند.

۱- هدف مذاکراتی ایران: لغو مؤثر و پایدار تحریم‌ها

هدف از مذاکرات هسته‌ای برای جمهوری اسلامی ایران در برجام لغو مؤثر تحریم‌های آمریکا علیه ایران جهت بهره‌مندی اقتصادی ایران از لغو تحریم‌هاست. به‌موجب بند (۲۹) برجام، اتحادیه اروپایی و دولت‌های عضو، همچنین ایالات‌متحده، منطبق با قوانین خود، از هرگونه سیاست با هدف خاص تأثیرگذاری خصمانه و مستقیم بر عادی‌سازی تجارت و روابط اقتصادی با ایران، در تعارض با تعهداتشان مبنی بر عدم اخلاص در اجرای موفقیت‌آمیز این برجام خودداری خواهند کرد. بخش ۷ از پیوست دو برجام نیز آثار رفع تحریم‌های اقتصادی و مالی ایالات‌متحده به تفصیل آورده شده است.

بر اساس بند (۳) قانون اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام مصوب ۱۳۹۴ دولت موظف است هرگونه پایبند نبودن طرف مقابل در زمینه لغو مؤثر تحریم‌ها یا بازگرداندن تحریم‌های لغو شده یا وضع تحریم تحت هر عنوان دیگر را به‌دقت رصد کند و اقدام‌های متقابل در جهت احقاق حقوق ملت ایران انجام دهد و همکاری داوطلبانه را متوقف کند.

به موجب ماده ۶ قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران مصوب ۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی در موضوع رفع تحریم و انتفاع اقتصاد ایران از محل آن، چند شاخص کلی مطرح شده است، این شاخص‌ها عبارت است از: عادی شدن روابط کامل بانکی، رفع کامل موانع صادرات، فروش کامل نفت و فرآورده‌های نفتی ایران و برگشت کامل و سریع ارز منابع حاصل از فروش.

قوانین تحریمی متعدد، دستورهای اجرایی متنوع و بسیاری از قواعد و اقدام‌های سخت‌گیرانه تحریمی دیگر مانند تحمیل برقراری نظام بررسی دقیق مشتری در روابط مالی و بانکی با طرف‌های ایرانی از سال ۲۰۱۰ علیه ایران اعمال شده که نقش بسیاری در محدودیت‌های تحریمی علیه ایران دارند و برای بهره‌مندی از عواید لغو مؤثر تحریم‌ها، لغو یا اصلاح این قوانین، دستورات اجرایی، قواعد و اقدام‌هایی نیاز است.

۲- هدف مذاکراتی آمریکا: تعلیق غیرمؤثر و ناپایدار تحریم‌ها

بعد از وعده بایدن برای پایبند ماندن به برجام و عدم خروج مجدد از آن، مخالفان برجام در آمریکا حمله به او را آغاز کردند. تام کاتن، سناتور جمهوریخواه کنگره آمریکا که مواضع بسیار تندی در قبال جمهوری اسلامی دارد در جریان مذاکرات در حال برگزاری در وین برای احیای برجام در پیامی تند گفت که در صورت روی کار آمدن جمهوریخواهان، مجدداً هرگونه توافق با ایران پاره خواهد شد.

تد کروز، نماینده جمهوریخواه ایالت تگزاس، در پیامی در توئیتر نوشت: جو بایدن از هیچ اختیار قانونی برای دادن چنین تعهدی برخوردار نیست. هر توافقی با ایران چنانچه به تأیید سنا نرسد و به معاهده تبدیل نشود، چیزی که بایدن میداند اتفاق نخواهد افتاد، بار دیگر توسط هر رئیسجمهور جمهوریخواه دیگر در آینده پاره خواهد شد.

مارک دابوویتز، مدیرعامل لابی صهیونیستی بنیاد دفاع از دموکراسی که یکی از مشاوران دولت سابق آمریکا در امور ایران بود، هم در واکنش به وعده بایدن نوشت: وعده بایدن، کاملاً بی‌ارزش است، مگر آنکه با رضایت و توصیه سنا به تصویب رسیده و به معاهده تبدیل شود. افزون بر این، گروهی از نمایندگان کنگره طرح‌هایی ارائه کرده‌اند که خواستار منوط کردن بازگشت آمریکا به برجام به کسب مجوز از کنگره است.

برای مثال، کریس استورات، قانونگذار ایالت یوتا، تیرماه امسال طرحی معرفی کرد که خواستار جلوگیری از رفع هرگونه تحریم علیه ایران مگر در صورت کسب مجوز از کنگره است. پیش از آن، گروهی از نمایندگان مجلس سنای آمریکا هم طرحی ارائه کردند که در صورت تصویب، هرگونه توافق با ایران در موضوع برنامه هسته‌ای را به کسب مجوز از نهاد قانونگذار آمریکایی منوط می‌کند.

ران جانسون، نماینده جمهوریخواه ایالت ویسکانسین در مجلس سنا و ۲۱ نفر دیگر از سناتورهای جمهوریخواه این طراح را ارائه کرده‌اند. این گروه از سناتورها می‌گویند توافق با ایران توسط دولت جو بایدن باید به شکل معاهده باشد. طبق قوانین آمریکا، معاهده‌ها به تأیید دوسوم اعضای مجلس سنا برسند. رسانه نومحافظه‌کار واشنگتن‌فری‌بیکن، یکی از اهداف معرفی این طرح را ارسال پیامی به ایران دانسته بود مبنی بر اینکه هرگونه توافق با دولت بایدن چنانچه به تصویب کنگره نرسد، از شانس اندکی برای بقا در دولت بعدی آمریکا برخوردار خواهد بود.

ختم کلام؛ تحریم شکستنی است نه برداشتنی

جان. اف. کندی در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: شما نمی‌توانید با مردمی مذاکره کنید که می‌گویند آنچه مال من است، مال من است و آنچه مال شماست قابل‌مذاکره است. مشکل مذاکره با دولت آمریکا دقیقاً به همین رویکرد آنها بازمی‌گردد. در هر صورت ایران و آمریکا بار دیگر با حداکثر تفاوت در هدف مذاکراتی و پیشزمینه مشترک در مقابل هم قرار گرفته‌اند.

هدف مذاکراتی ایران مبنی بر لغو مؤثر و پایدار تحریم‌ها با برجام محقق نخواهد شد. در هم‌تنیده شدن تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای و قاعده‌گذاری در جهت تفکیک‌ناپذیری تحریم‌های مرتبط با ایران سبب می‌شود تحریم‌ها در رفع واقعی دچار اخلاص شوند. در راهبرد دیوار تحریم، بخش‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی ایرانی که پیش‌تر در چارچوب مسائل هسته‌ای ادعایی ایالات‌متحده تحریم شده‌اند مبتنی بر وجوه ادعایی دیگر نظیر حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و ثبات‌زدایی منطقه‌ای تحت تحریم قرار گرفته‌اند.

نتیجه این درهم‌تنیدگی آن است که حتی اگر تحریم‌های به اصطلاح هسته‌ای رفع شوند، بازهم به دلیل سایر وجوه تحریمی اشخاص حقیقی و حقوقی ایران از تور تحریمی آمریکا خارج نمی‌شوند.

هدف مذاکراتی آمریکا مبنی بر تعلیق غیر مؤثر و ناپایدار تحریم‌ها با برجام محقق خواهد شد. محمود سریع‌القلم بر این نظر است که رهیافت رفتارشناسی به ما می‌آموزد که برخورد آمریکا با ایران بر اساس یک واژه و مفهوم استوار است «Limbo». اگر از سخنرانی‌ها و ادبیاتی که در آمریکا نسبت به ایران طی دو دهه اخیر تولید شده، تحلیل محتوا کنیم، این مفهوم قابل‌استخراج است.

اولاً آنها فوق‌العاده باحوصله و فرآیندی هستند. عموماً ما واکنشی هستیم. «Limbo» یعنی در هوا نگه‌داشتن. سیاست آمریکا ابعاد روان‌شناسانه بسیاری دارد. ایران را نمی‌توان نادیده گرفت، اما آنها با رویکردهای ایران مشکل دارند. هم مذاکره می‌کنند هم فشار می‌آورند و برای این کار، اهرم‌های فراوانی دارند. نیم‌طبقه وزارت خزانه‌داری را با زبده‌ترین کارشناسان فزآوری اطلاعات و بانکی برای پیگیری تحریم‌های خود به‌کار گرفته‌اند. کلاً جمهوری اسلامی در آمریکا دوستی ندارد، نه در چپ و نه در راست. هر دو جریان در آمریکا، تعریف مشترکی از جمهوری اسلامی ایران دارند فقط رهیافت‌های آنها با

هم فرق می‌کنند. زمان اوباما، چپ بود. اهل تعامل و فشار. زمان ترامپ راست است. اهل تعامل کمتر و فشار بیشتر.

سیاست آمریکا یک حداقل دارد و یک حداکثر. حداکثر تغییر رژیم، اما به هیچ وجه راحت نیست. حداقل یعنی مجموعه‌ای از تحریم‌ها، فشارها، ایجاد فقر، جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی در یکروند فرسایشی و بدون عجله. هدف، تغییر سیاست‌های منطقه‌ای است. آمریکا با طیفی از کشورها در دنیا تعامل دارد و بلکه روابط استراتژیک. با بنیان نظام و هویت سیاسی و قانون اساسی ایران مشکل ندارند. خیلی به این مسائل اهمیت نمی‌دهند. اصل، سیاست‌ها و رویکردهای جمهوری اسلامی هست که البته می‌توان نتیجه گرفت که ریشه در بنیان‌های نظام سیاسی و انقلاب دارند. این سیاست آمریکا همین‌طور ادامه دارد و تابع ترامپ یا رؤسای جمهور دیگر نیست. اجماع استراتژیک آنهاست. شدت و ضعف دارد.

برآورد این نوشتار برای طرف ایرانی این است که دل بستن بیش از اندازه به برداشته شدن تحریم‌ها، یعنی بازی در زمین ایالات متحده برای کمک به در میان زمین و هوا نگه داشتن ایران. اگر قرار به برداشتن تحریم‌هایی با چنین شدت بود، اساساً گذاشته نمی‌شد. ساختار تحریم‌ها تا شکسته نشود، برداشته نمی‌شود. به همین دلیل بیشتر تمرکز باید بر چرایی تحریم‌پذیری و چگونگی شکستن آن صرف شود تا مذاکره و جلب اعتماد برای برداشتن آن، زیرا درست یا نادرست، با هر نظام سیاسی، تضاد منافع، روابط ایران و ایالات متحده را ناگزیر در بهترین حالت در سطح رقابت باقی می‌گذارد.

برآورد این نوشتار برای طرف آمریکایی این است که ظاهراً دولت بایدن برخلاف دولت ترامپ، به این جمله باراک اوباما بازگشته است که اگر ابزار اصلی شما یک چکش است، پس هر مشکلی مانند یک میخ به نظر می‌رسد.

در آخر دولتمردان بایدن، با توجه به تجربه اخیر خود در افغانستان، بهتر است با خود مرتب این جمله را تکرار کنند: داشتن چکش به این معنا نیست که هر مشکلی یک میخ است.

فرشید فرحناکیان